

ضرورت سنجش و توانمندسازی سرمایه اجتماعی در بهسازی بافت‌های فرسوده شهری

مطالعه موردی: محله سرشور (مشهد)

حسین حاتمی‌نژاد (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

hhataminejad@gmail.com

نورالدین رحمتی (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده مسؤل)

mehdirahmati2000@yahoo.com

علی اسماعیل زاده کواکی (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زابل، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران)

aliesmaeilzade9@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۲۶

چکیده

تغییر پارادایم برنامه‌ریزی شهری از نگاهی غیر انعطافی با حاکمیت دولتی و مبتنی بر پایه فلسفی عقل‌گرایی، به سوی اصول نسبی‌گرایی همراه با تغییر نگاه از تجویزی به مشارکتی، زمینه لازم را برای مطرح شدن بحث سرمایه اجتماعی فراهم کرده است. هدف مقاله حاضر، بیان ضرورت سنجش و توانمندسازی سرمایه اجتماعی است که از عناصر مهم در برنامه‌ریزی شهری و توانمندسازی بافت‌های فرسوده به شمار می‌رود. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت کتاب‌خانه‌ای و پیمایشی (میدانی) است. داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه و به روش نمونه‌گیری تصادفی به دست آمده است. جامعه آماری بر اساس سرشماری نفوس ۱۳۸۵ جمعیت محله سرشور ۷۵۶۰ نفر بوده است که حجم نمونه پژوهش ۲۷۰ نفر به دست آمده و درصد اطمینان این روش ۹۰ درصد است. بر اساس تحلیل صورت‌گرفته، نتایج این پژوهش نشان از عدم شکل‌گیری روابط انجمنی، سطح مشارکت و انسجام اجتماعی پایین و اعتماد نهادی در سطح کلان و میانی (مدیریت شهری) ناچیز است و صرفاً اعتماد در حوزه شخصی و بین شخصی در حد قابل قبول باقی مانده است؛ بنابراین، می‌توان گفت که وضعیت سرمایه اجتماعی محله سرشور به‌جز در موارد استثنایی که آن هم به جنبه سنتی و سرمایه اجتماعی قدیم مربوط می‌شود، در اغلب موارد مطلوب نیست؛ بنابراین در جهت بهسازی و بهبود سازمان فضایی محله، اولین مسأله‌ای که باید قبل از هر چیز حل شود، جلب اعتماد مردم و ذی‌نفع‌های پروژه نسبت به متولیان بهسازی است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، رویکرد دارایی-مبنا، رویکرد نیاز مبنا، بافت فرسوده، محله سرشور.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسأله

با ظهور مشکلات متعدد در فضای شهری، سیاست-گذاران امر توسعه شهری را به بازاندیشی در پارادایم حاکم شهری با رویکرد اقتصاد کلاسیک به نگرش‌های زیست-محیطی و انسان‌گرایانه و از پایین به بالا فرا خواند. براین اساس، یکی از آموزه‌های بزرگ قرن بیستم این است که مسأله اصلی مدیریت جوامع انسانی فقط به نحوه و میزان شناخت آنها محدود نمی‌شود؛ بلکه چگونگی تأثیرگذاری در نیروها و نهادهای مؤثر در بهسازی محیط اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است (مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۷). همان‌طور که گیدنز بیان می‌کند که یکی از کشفیات بزرگ سازمان اجتماعی-اقتصادی سده بیستم این است که نظام‌های پیچیده اقتصاد مدرن را نمی‌توان به گونه‌ای مؤثر هدایت کرد، این نظام‌ها به علامت‌دادن‌های ریز و دائمی نیاز دارند که باید از «پایین» و از طریق واحدهای اطلاع‌دهنده خرد انجام گیرد نه با هدایت از «بالا» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۹۶). بدین نحو با تغییر نگرش در برنامه‌ریزی شهری از نگاهی «جامع-عقلانی» که برگرفته از منشور آتن (۱۹۳۳) با تفکری مبتنی بر کالبد است، می‌توان به نفع نگرش‌های اجتماع‌محور و برنامه‌ریزی محلی، دموکراتیک و از پایین، کنار رفت. به این ترتیب مشارکت محله‌ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی محلات در جهت رسیدن به توسعه پایدار محله‌ای، رویکردی است که در سال‌های اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته است. از این‌رو، ضرورت تغییر در نگاه مدیریت شهری، در استفاده از نیروهای سطح محلی به عنوان «اطلاع‌دهنده خرد» در سطح محلات شهری احساس می‌شود تا به این وسیله بتوان به توسعه پایدار شهری، با رویکردی غیر اقلیدسی، براساس برنامه‌ریزی اجتماعی به بهسازی شهری اقدام کرد. استفاده از سرمایه اجتماعی و تقویت آن در بین افراد محله، می‌تواند

راه‌حل مناسبی برای حل مشکلات در نتیجه، توسعه پایدار محله شود. سؤال پیش روی تحقیق به شرح زیر است:

■ چه عواملی در ایجاد انگیزه مشارکت مردم و بهبود سازمان فضایی محله تأثیرگذار است؟

با توجه به مسائل مطرح شده در تحقیق حاضر، فرضیه به این صورت مطرح می‌شود:

■ فعال‌سازی بهینه سرمایه اجتماعی محله‌ای در چارچوب مشارکت و اعتماد اجتماعی و در پرتو پارادایم توسعه پایدار در ایجاد انگیزه مشارکت در بهسازی سازمان فضایی محله مؤثر است

۱.۲. پیشینه پژوهش

واژه سرمایه اجتماعی مفهومی است که از ۱۹۹۰ به این سو در رسالات و مقالات دانشگاهی به‌ویژه جامعه‌شناسی و اقتصاد با کار افرادی چون جیمز کلنن، پیر بوردیو، رابرت پاتنام آفرانسیس فوکویاما، به کار گرفته شده است. امروزه کاربرد این مفهوم با توجه به جهانی شدن و تضعیف حکومت‌های ملی به عنوان راه‌حلی عملی در سطح اجتماعات محلی برای حل مشکلات توسعه، مورد توجه مسئولان سیاست اجتماعی و متولیان توسعه شهری قرار گرفته است. پژوهش‌های تجربی صورت گرفته در این زمینه، نشان‌دهنده سودمندی و کارایی این مفهوم در عرصه توسعه شهری است. مطالعه رابرت پاتنام درباره نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد شورای منطقه‌ای در ایتالیا که در کتابی با عنوان *دموکراسی و سنت‌های مدنی* به چاپ رسیده است (پاتنام، ۱۳۸۰)، مطالعه توماس کوساک با عنوان «سرمایه اجتماعی، ساختارهای نهادی و عملکردهای دموکراتیک: مطالعه تطبیقی حکومت‌های محلی در آلمان» (جاجرمی، ۱۳۸۰: ۵) که در این پژوهش به بررسی

میزان رضایت شهروندان از عملکرد حکومت‌های محلی (شهرداری‌ها) در آلمان پرداخته است، در زمره تحقیقات مربوط به سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد. در جدول (۱) مهم-ترین مطالعات صورت گرفته و مؤلفه‌های مورد سنجش آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مشارکت اجتماع محلی، اعتماد و کنش اجتماعی از مشترکات این مطالعات هستند.

جدول ۱- پیشینه و مؤلفه‌های مورد سنجش در مطالعات سرمایه اجتماعی

Narayan & Cassidy: 2001: 64

پیمایش ارزش‌های جهانی در ۴۳ کشور جهان (WVS) (1999)	مطالعه سرمایه اجتماعی در نیو ساوت ولز (1997) New south Wales	مرکز مطالعات سرمایه اجتماعی در کلمبیا (1999) John studarsky	شاخص سلامت مدنی ملی در امریکا (NCH) 1996 National Civic health, (1996)
<ul style="list-style-type: none"> اعتماد تعلق و عضویت در انواع مختلف انجمن‌ها فعالیت در انجمن‌های محلی 	<ul style="list-style-type: none"> مشارکت در اجتماع محلی اعتماد و احساس امنیت روابط همسایگی روابط خانوادگی ارزش زندگی 	<ul style="list-style-type: none"> اعتماد نهادی مشارکت مدنی معامله و تأثیر متقابل روابط افقی سلسله مراتب کنترل اجتماعی مشارکت سیاسی 	<ul style="list-style-type: none"> تعهد سیاسی اعتماد عضویت انجمنی امنیت و جرم استحکام و ثبات خانواده

حاضر شامل این مراحل است: طرح مسأله پژوهش، اهمیت و ضرورت آن، بررسی مفاهیم نظری تبیین‌کننده مسأله پژوهشی، بررسی متغیرها و سنجه‌های مناسب در یافتن راه‌حل (تعریف نظری و عملیاتی)، تحلیل و آزمون متغیرهای بررسی شده در مطالعه موردی، نتیجه‌گیری، ارائه راهکارها و پیشنهادها.

۲.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

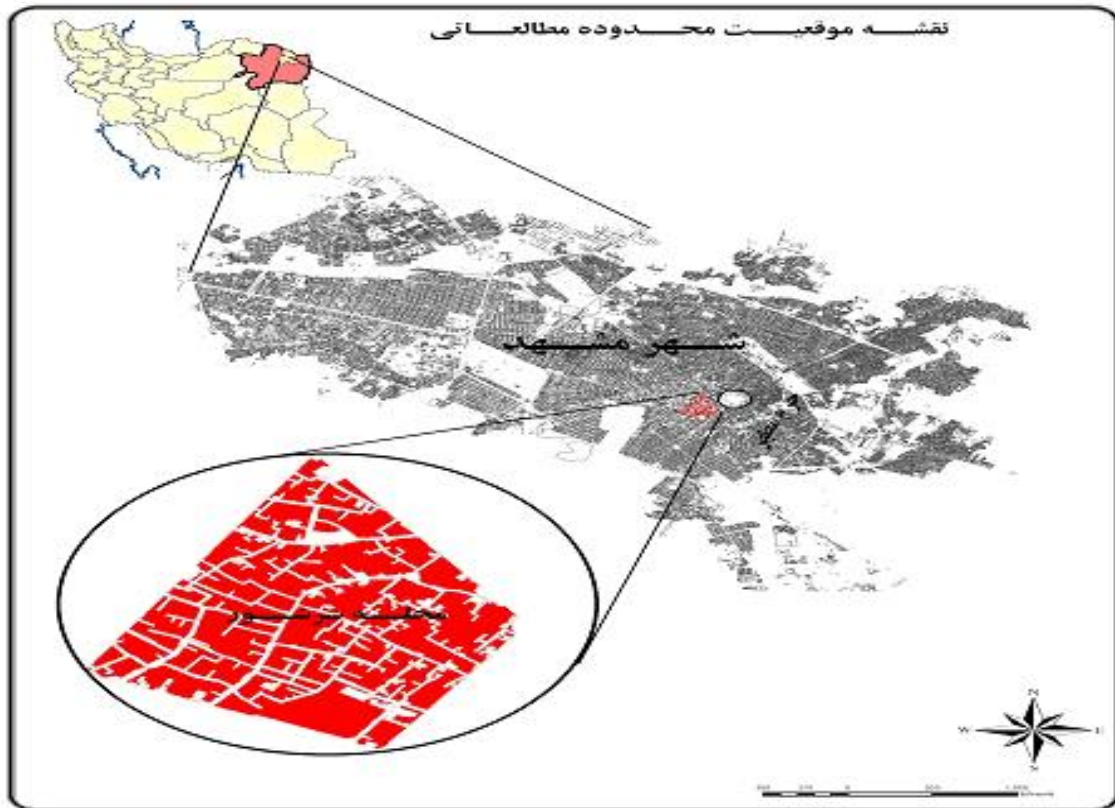
محلّه سرشور یکی از محلات قدیمی شهر مشهد است که در قسمت غربی حرم مطهر امام رضا (ع) و در فاصله‌ای حدود ۳۵۰ متری از آن قرار دارد. از مسائل مهمی که در مبحث سرمایه اجتماعی مطرح است، خصوصیات بافت اجتماعی جمعیت مورد بررسی است. بر این اساس، محلّه سرشور در سال ۱۳۸۵ دارای جمعیتی برابر با ۷۵۶۰ نفر بوده است که از این تعداد ۳۷۰۰ نفر مرد و ۳۸۶۰ نفر زن بوده‌اند که به ترتیب ۵۱ و ۴۹ درصد جمعیت محلّه را تشکیل می‌دهند.

در پژوهشی دیگر پیتر روسکانن^۱ با تمایز بین منابع، مکانیسم‌ها و پیامدهای سرمایه اجتماعی، مکانیسم‌ها را شامل اعتماد و ارتباطات می‌داند (Ruuskanen: 2001 : 46) که تسهیل‌کننده جریان اطلاعات از شخصی به شخصی دیگر است که به این وسیله، پایداری ارتباط مردم با یکدیگر را آسان‌تر می‌سازد (Halpern, 2005: 27).

۲- روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه انجام، توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت استادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی (میدانی) در سطح محلّه سرشور مشهد است که به تبع آن از نرم‌افزارهای آماری و سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده شده است. بر این اساس، پژوهش



شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه در کلان‌شهر مشهد

مأخذ: نقشه پایه شهرداری مشهد، ۱۳۹۰

۳.۲. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

موضوعی که اکثر پژوهشگران با آن روبه‌رو هستند، حجم نمونه‌گیری است، برای تعیین حجم آماری روش‌های گوناگونی ارایه شده است که در این پژوهش فرمول زیر جهت تعیین نمونه جامعه آماری به کار گرفته شده است. بر اساس سرشماری نفوس ۱۳۸۵، جمعیت محله سرشور ۷۵۶۰ نفر بوده است که حجم نمونه پژوهش ۲۷۰ نفر به دست می‌آید، درصد اطمینان این روش ۹۰ درصد و روش نمونه‌گیری هم تصادفی است. با توجه به هدف پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های استنباطی (آزمون T و F تحلیل واریانس)، جهت سنجش متغیرهای کیفیت محیط کالبدی محله، مشارکت مدنی، اعتماد (بین شخصی و نهادی) استفاده شده است.

$$np = \frac{Z_{\alpha/2}^2 \overline{pq}}{e^2} = 270$$

۴.۲. مبانی نظری تحقیق

۴.۲.۱. تعریف و مفهوم سرمایه

سرمایه همیشه در اقتصاد سیاسی «مارکس» با کار مجسم یا انباشته‌شده تعریف می‌شود و در یک مناسبت اجتماعی قرار می‌گیرد که در آن کار مولد برای انباشت بیشتر سرمایه به کار گرفته می‌شود. بورديو سرمایه را کار انباشته تعریف می‌کند، به نظر آبرو اندیشه‌ای در پس مفهوم سرمایه هست، حتی در معانی مالی اولیه‌اش، به مفهوم ارزشی است که احتمالاً می‌تواند اساس ارزش‌های آینده باشد. دریافت بورديو از سرمایه، وسیع‌تر از معانی پولی سرمایه در اقتصاد است. سرمایه یک منبع عام است که می‌تواند شکل پولی و ملموسی به خود بگیرد. بنابراین، به نظر بورديو سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد منافع خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد (ملا حسنی، ۱۳۸۱: ۳۰).

۲. ۴. ۲. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

در زمینه مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی صاحب‌نظران این نظریه، عناصر مختلفی را مطرح کرده‌اند، عمده این مؤلفه‌ها و عناصر عبارت‌اند از: اعتماد، قواعد و هنجارهای حاکم بر کنش اجتماعی، شیوه‌های کنش متقابل اجتماعی، منابع شبکه اجتماعی، مشخصه‌های دیگر شبکه [اجتماعی] اشکال سازگاری، برخی دیگر از پژوهش‌گران همانند لیو و بسر چهار مؤلفه را برای سرمایه اجتماعی تعریف کرده‌اند: پیوندهای غیررسمی اجتماعی، پیوندهای رسمی اجتماعی، اعتماد، اعتماد هنجارهای کنش جمعی (Narayan & Cassidy, 2001 b). هر یک از اندیشمندان این نظریه با توجه به حوزه تخصصی خود به تعریف متغیرها و شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. نکته اصلی این مفهوم در اندیشه اکثر این محققان کنش اجتماعی بر اساس شبکه اجتماعی و اعتماد است؛ اما آنچه از دیدگاه جغرافی دانان شهری اهمیت ویژه‌ای دارد، این است که این کنش در فضای جغرافیایی خاصی انجام می‌گیرد، بنابراین، محله با داشتن ویژگی‌های فضایی - جغرافیایی به عنوان ظرفی عمل می‌کند که با ایجاد زمینه‌ای برای آشنایی و برخورد چهره‌به‌چهره افراد، تعامل و کنش اجتماعی آنها در فرآیندهای رسمی و به‌خصوص غیر رسمی ساکنان آن می‌تواند در تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر باشد.

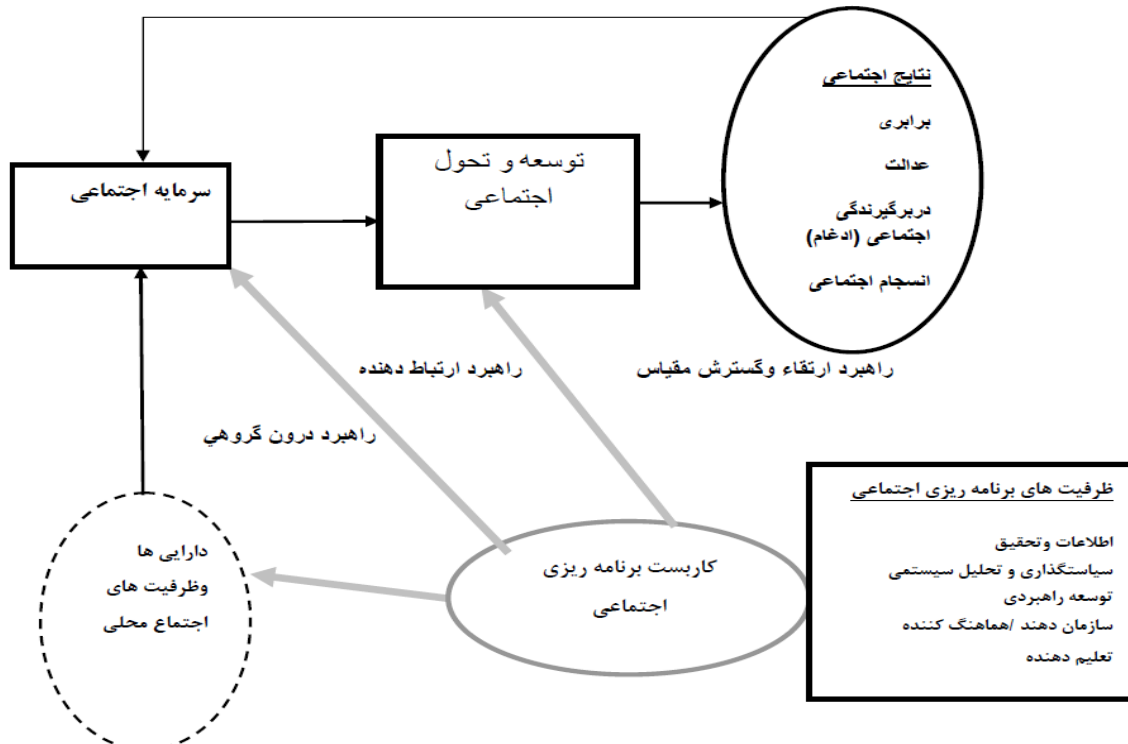
۲. ۴. ۳. سرمایه اجتماعی و برنامه‌ریزی بهسازی بافت‌های

فرسوده

یکی از مسائل مهم در برخورد با بافت‌های فرسوده استفاده از توانمندی و ابتکارات و مشارکت محلی جهت بهسازی سازمان فضایی و ارتقای محیطی آنهاست و در اینجا سرمایه اجتماعی به عنوان عنصری با اجزای سیاسی و نامحسوس؛ اما حیاتی که تضمین‌کننده اثربخشی مداخلات مختلف است، مطرح می‌شود. (Lomas 1998; Szreter, 1999). این فرآیند، خود، یادگیری و انسجام اجتماعی را به

همراه می‌آورد، همان‌طور که در شکل (۱) ملاحظه می‌شود. کاربست برنامه‌ریزی اجتماعی مبتنی بر سرمایه اجتماعی دارای سه راهبرد اصلی است.

- ۱- راهبرد درون گروهی (میثاقی) که سازنده اعتماد و همکاری میان افراد و در داخل اجتماع محلی است.
 - ۲- راهبردهای دربرگیرنده یا ارتباط‌دهنده که باعث فرو-ریختن موانع سهیم‌شدن در اهداف اجتماعی و اقدامات جمعی بین گروه‌های مختلف و توانمندشدن آنها می‌شود.
 - ۳- راهبرد ارتقا و گسترش مقیاس (تعمیم) که اجتماعات محلی را در یک عمل جمعی که سیاست و مشی نظام‌اند، در تغییر و توسعه اجتماعی مرتبط می‌کند.
- هر یک از انواع راهبردهای ذکرشده، جدا از اینکه در پیوندی نظام‌وار با هم ارتباط داشته باشند، هر کدام برای نیازی خاص به کار می‌روند. سرمایه اجتماعی دربرگیرنده یا ارتباط‌دهنده گروه‌های مختلف و تا حدودی ناهمگن است؛ اما سرمایه اجتماعی درون گروهی، ناظر بر حضور افراد همگن است. این فرآیندهای متداخل بر مجموعه‌ای از پیوندهای غیررسمی محلی متکی هستند و به صورت عوامل شتاب‌دهنده برای بسیج سرمایه مالی، انسانی و کالبدی عمل می‌کنند (پاتنام، ۱۹۹۳ به نقل از عارفی، ۱۳۸۰: ۲۳). راهبرد سوم در برنامه‌ریزی اجتماعی نیز ناظر بر سطح کلان سرمایه اجتماعی که در سطح کلی جامعه، با سیاستی هماهنگ، گروه‌ها و شبکه‌های منفرد را به هم پیوند می‌دهد. بنابراین، با توزیع قدرت در بین مردم و گروه‌های اجتماعی، منافع بیشتری در فضای جغرافیایی توزیع می‌شود و این فرآیند به‌خصوص در بافت‌های فرسوده که در حاشیه اقتصادی، اجتماعی قرار داشته و به نوعی «باور بی‌یاوری» دچار شده‌اند، می‌تواند زمینه لازم را برای توانمندسازی آنها فراهم کند.



شکل ۲- کاربست برنامه ریزی اجتماعی مبتنی بر سرمایه اجتماعی

گروه‌ها در سطح کل جامعه است) انعکاس اهمیت رویکرد دارایی- مبنا در سیاست‌گذاری است. سیاست‌های دارایی- مبنا نیازمند دو مؤلفه به هم پیوسته اجتماع محلی و دولت است. در واقع، به دنبال محدودیت‌هایی که برای منابع محدود دولت پیش آمد، کارشناسان و سیاست‌گذاران، شیوه جدیدی را توصیه کردند که در آن نه تنها حضور مردم در فرآیند تصمیم‌سازی تضمین می‌شود؛ بلکه همچنین توانایی‌ها و ظرفیت‌های آنها در جهت رشدی پایدار ساخته می‌شود. ولکاک در این رابطه، ارتباط دولت و جامعه و ایجاد کانال‌هایی نهادینه شده برای گفت‌وگو پیوسته و مذاکره درباره اهداف و سیاست‌ها را در راستای اثربخشی و تسهیل توسعه پایدار اجتناب‌ناپذیر می‌داند (Woolcock, 1998: 178) تفاوت بین نظام‌های نیازمبنا و دارایی مبنا اهمیت سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از هنجارهایی که تسهیل‌کننده شکل‌گیری همکاری در ابعاد مختلف جامعه؛ مانند بنگاه تجاری و کسب و کار، همکاری و مشارکت محله‌ای و حمایت اجتماعی را

۲. ۴. ۴. نگرش دارایی- مبنا، ضرورتی بنیادین در

توانمندسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده

در دهه گذشته شاهد ظهور دیدگاه دارایی- مبنا در تمایز با دیدگاه نیاز- مبنا بودیم. دلایل رواج این رویکرد، فرآیند در حال پیشرفت تمرکززدایی در چند دهه پیش، نارضایتی از دخالت مستقیم دولت، محدود شدن تأمین بودجه برای اجتماعات فقیر و اتکای روزافزون جامعه مدنی بر خودیاری است (Edel, Bolton 1992, Winnik 1996, Hoover 1971) 1980 به نقل از عارفی (۱۳۸۰: ۲۳)؛ اما چه عاملی باعث پایه‌گذاری رویکرد دارایی- مبنا در سیاست‌گذاری شهری شده است؟ هر پاسخ دقیق و روشنی به این سؤال به تحقیقی عمیق و انتقادی از سیاست‌های اعمال شده در طول چند دهه گذشته نیازمند است (Arefi, 2004: 493). مفاهیمی مانند سرمایه اجتماعی، سرمایه درون گروهی، سرمایه اتصالی و ارتباط‌دهنده و سرمایه پیوندی (ناظر بر سطح کلان سرمایه اجتماعی و همکاری

روشن می‌کند. در جدول (۲) تفاوت‌های رویکردهای نیاز/ دارایی در توسعه اجتماع محلی بیان شده است.

جدول ۲- تفاوت دو رویکرد نیاز/ دارایی در توسعه اجتماع محلی

Russell & Arefi, 2003: 64

رویکرد نیازمنا در توسعه اجتماع محلی	رویکرد دارایی مبنا در توسعه اجتماع محلی
برآورده کردن کمبودهای اجتماع محلی	تکیه بر دارایی اجتماع محلی دارد
اصولا اقدامات از بیرون اجتماع محلی صورت می‌گیرد (توسعه برون‌زا)	اصولا اقدامات از درون اجتماع محلی صورت می‌گیرد (توسعه درون‌زا)
مسأله محور	امکانات محور
اجتماع محلی نیازمند است	نویدبخش آینده‌ای بهتر برای اجتماع محلی است.
خدمت‌گیرنده (مشتری)	تأمین‌کننده
مصرف‌کننده	تولیدکننده

آنچه از مقایسه رویکرد دارایی/ نیاز مبنا به سادگی قابل استنباط است؛ نخست، نگاه و رویکرد دارایی مبنا در مقابل نیازمنا، مثبت، خلاق و در جهت توانمندسازی است و در آن مشارکت فعال اجتماع محلی مورد نظر است در مقابل، نیاز مبنا دارای رویکرد انفعالی، منفی و باور نداشتن ظرفیت و توانایی‌های اجتماع محلی است، دوم، در رویکرد دارایی- مبنا نگاه به اجتماع محلی و استفاده از دارایی‌های موجود از جمله شبکه و حمایت اجتماعی آنها در رفع مشکلات مورد نظر است. بنابراین، توسعه از درون اجتماع محلی (درون‌زا) و مبتنی بر ابتکارات محلی است تا از بیرون (برون‌زا) و به جای استفاده از مکانیسم‌های باز توزیعی برای ایجاد برابری، درصد برابری فرصت‌ها با بسیج دارایی‌های مردم و مکان است. ماحصل گذر از استحقاق به توانمندسازی از هدف‌گیری جغرافیایی- کالبدی با سیاست‌های از بالا به پایین به سوی مشارکت را می‌توان دستاورد برنامه‌ریزی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده مبتنی بر سیاست‌هایی شهری دارایی مبنا دانست. به این ترتیب، با حاکمیت نگرش فوق در سیاست- گذاری‌های شهری و هم‌گرایی سرمایه اجتماعی و کالبدی

(اجتماع و مکان) می‌توان انتظار داشت روند ظرفیت‌سازی محلی و شرایط به گشت کالبدی فراهم شود.

۳. یافته‌های کلی پژوهش بر اساس تحلیل پرسش‌نامه

این پژوهش بر آن بود تا با بهره‌گیری از نظریات موجود و با استفاده از تحلیل پرسش‌نامه و شناخت محدوده مورد مطالعه راهکارهایی ارائه دهد. بر این اساس، ابتدا یافته‌های کلی پژوهش و پس از آن جزئیات آن ارائه می‌شود:

* وجود نظام متمرکز و غیرمشارکتی در ساختار مدیریت

شهری

* عدم تعریف جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در روند تهیه

و تصویب طرح‌های شهری

* بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی محله‌های مختلف و تهیه

طرح بهسازی محله‌ها بر اساس قراردادهای تپ.

* و حاصل جمع موارد بالا، حاکمیت برنامه‌ریزی شهری

کالبدمحور و دولتی که محصول آن زوال سرمایه اجتماعی و

حس بی‌اعتمادی شدید مردم نسبت به مدیران شهری

است.

جدول ۳- شاخص‌های مورد سنجش

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	شاخص‌های مورد سنجش	
۱٪	۳٪	۵۹٪	۲۱٪	۱۵,۶٪	رفتن مهمانی به خانه همسایه	انسجام اجتماعی در سطح محله
۵,۵٪	۱۵,۱٪	۸,۱٪	۵۱,۸٪	۱۹,۲٪	قرض گرفتن از همسایه	
۱,۵٪	۱٪	۵۰,۷٪	۱۱,۵٪	۳۵,۲٪	مشورت با همسایگان	
۰,۵٪	۲٪	۷۹,۵٪	۲٪	۱۶,۳٪	درک شدن توسط دیگران	
۸,۱٪	۳۶,۷٪	۲۰٪	۲۰,۱٪	۱۴٪	شرکت در مراسم‌های مذهبی	
۵,۲٪	۹,۳٪	۳۱,۵٪	۴۹,۳٪	۴,۸٪	شرکت در کارهای گروهی	
۳۹,۲٪	۴۸,۵٪	۵,۵٪	۴٪	۲,۶٪	همکاری با شورایارهای محله	
۵۷,۸٪	۳۰٪	۴,۸٪	۴,۸٪	۲,۶٪	اعتماد به اعضای خانواده	سنجش اعتماد نهادی و بین شخصی
۲۲,۵٪	۳۸,۹٪	۲۳٪	۹,۵٪	۶٪	اعتماد به خویشاوندان	
۱۳,۷٪	۲۳٪	۲۹,۶٪	۲۶,۶٪	۶,۶٪	اعتماد به دوستان	
۲,۶٪	۴۲٪	۴۳,۶٪	۹,۲٪	۲,۶٪	اعتماد به همسایگان	
۲,۶٪	۴,۵٪	۱۳٪	۴۵,۵٪	۳۴,۴٪	اعتماد به شورای شهر	
۲,۲٪	۹,۶٪	۲۵,۲٪	۳۳,۳٪	۲۹,۶٪	اعتماد به کارکنان شهرداری	

وجود نهاد و مجرای برای همکاری و ایجاد نهادهای محلی می‌تواند زمینه را برای فعال‌سازی سرمایه اجتماعی و مشارکت فراهم کند. درمورد روابط و شبکه اجتماعی و نیز شناخت انجمن و شبکه‌های غیررسمی شرکت در گروه‌ها و هیأت‌های مذهبی به علت نزدیکی جغرافیایی به حرم و زمینه ذهنی اهالی محله ۳۶,۷ درصد به صورت زیاد شرکت داشته‌اند. همچنین، در زمینه تمایل به قرض گرفتن از همسایه‌ها ۵۱,۸ درصد تمایل کمی نسبت به این موضوع داشته‌اند و در زمینه به مهمانی خانه همسایه‌ها رفتن نیز ۵۹ درصد گزینه متوسط را بیان کرده‌اند. از این‌رو، نتایج این پژوهش نشان از شکل نگرش روابط انجمنی، سطح مشارکت و انسجام اجتماعی پایین و اعتماد نهادی در سطح کلان و میانی (مدیریت شهری) ناچیز است و صرفاً اعتماد در حوزه شخصی و بین شخصی در حد قابل قبول باقی مانده است. بنابراین در جهت بهسازی محله اولین مسأله‌ای که باید قبل از هر چیز حل گردد جلب اعتماد مردم و ذینفعان

۳-۱- آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه: فعال‌سازی بینه سرمایه اجتماعی محله‌ای در چارچوب مشارکت اجتماعی و در پرتو توسعه پایدار در ایجاد انگیزه مشارکت در بهسازی سازمان فضایی محله مؤثر است. بر اساس نتایج توصیفی، استنباطی پرسش‌نامه محله سرشور مندرج در جدول (۳) و تحلیل محتوای اسناد موجود از مدیریت شهری و مشارکت در شهر مشهد حاصل آمد، این فرضیه تأیید می‌شود. بر اساس تحلیل پرسش‌نامه، محله در مورد تمایل به شرکت در کارهای گروهی ۴۹,۳ درصد کم و ۳۱,۵ درصد تا حدودی و تنها ۹,۳ درصد زیاد را پاسخ داده‌اند. همچنین، توزیع پاسخ‌ها در مورد تمایل به همکاری با شورا-یاری محله ۳۹,۲ درصد خیلی زیاد و ۴۸,۵ درصد تمایل زیاد و ۵,۵ پاسخ تا حدودی را بیان کرده‌اند که نشان‌دهنده زمینه ذهنی و تمایل ساکنان به همکاری با شورایاری محله است. بنابراین،

پروژه است. اطلاعات مندرج در جدول شماره (۴) به وضوح نتایج یافته‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج آزمون T-Test جهت تعیین انسجام اجتماعی

Test Value = 3			انحراف معیار	میانگین	تعداد	انسجام اجتماعی
معناداری	درجه آزادی	t				
/۱۲۱	۲۶۹	۲,۵۵۸	۲,۹۳۲۴۱	۱۳,۰۵۰۰	۲۷۰	

جهت تعیین انسجام اجتماعی t محاسبه شده ۲,۵۵۸ با می‌توان نتیجه گرفت که انسجام اجتماعی در محله مذکور، درجه آزادی ۲۶۹ در سطح ۰/۱۲۱ معنی‌دار نیست. بنابراین، پایین است.

جدول ۵- نتایج آزمون T-Test جهت تعیین میزان مشارکت

Test Value = 3			انحراف معیار	میانگین	تعداد	مشارکت
معناداری	درجه آزادی	t				
/۴۹۵	۲۶۹	۲,۲۹۲	۲,۱۳۰۳۲	۱۲,۰۳۵۷	۲۷۰	

با توجه به t محاسبه شده جهت تعیین میزان مشارکت ۲,۲۹۲ با درجه آزادی ۲۶۹ در سطح ۰/۴۹۵ معنی‌دار نیست و بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت در محله مذکور در حد پایینی برقرار است.

جدول ۶- نتایج آزمون T-Test جهت تعیین میزان آشنایی با تشکل‌های اجتماعی

Test Value = 3			انحراف معیار	میانگین	تعداد	آشنایی با تشکل‌های اجتماعی
معناداری	درجه آزادی	t				
/۸۱۲	۲۶۹	۲,۰۷۲	۲,۲۵۸۹۳	۱۲,۰۷۱۴	۲۷۰	

جهت تعیین میزان آشنایی با تشکل‌های اجتماعی t محاسبه شده برابر با ۲,۰۷۲ با درجه آزادی ۲۶۹ در سطح ۰/۸۱۲ معنی‌دار نیست. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مردم محله مذکور آشنایی کمی در رابطه با تشکل‌های اجتماعی دارند؛ ولی با نگاهی به فراوانی‌های به دست آمده در بخش توصیفی این آشنایی در مواردی همچون گروه‌های مذهبی و پایگاه بسیج در حد قابل قبولی قرار دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون تحلیل واریانس در زمینه تفاوت بین اعتماد شخصی و نهادی

موضوع	حوزه	منبع تغییرات	درجه آزادی	F محاسبه شده	درجه معناداری
اعتماد	بین شخصی و نهادی	بین گروهی	۶	۳/۹۴۰	۰/۰۰۰
		درون گروهی	۲۶۳		

تحلیل واریانس (F) محاسبه شده در زمینه تفاوت بین اعتماد شخصی و نهادی در سطح ۰/۰۵ از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که از لحاظ آماری میان اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و با نگاهی به میانگین‌ها و نمودارهای بخش توصیفی مشخص می‌شود که این اعتماد در زمینه اعتماد بین شخصی بسیار بیشتر از اعتماد نهادی است؛ به بیانی دیگر، مردم محله، اعتماد پایینی

به نهادهای اجتماعی و به خصوص مدیریت شهری دارند. در یک جمع‌بندی از این بحث به این نتیجه می‌رسیم که: «سرمایه اجتماعی در جوامع سنتی (پیشامدرن) بیشتر جنبه درون گروهی همراه با اعتماد اجتماعی محدود و خاصی است که امروز آن را با نام «سرمایه اجتماعی قدیم» می‌شناسند، در جوامع مدرن با نوعی از سرمایه اجتماعی سروکار داریم که بیشتر بین گروهی همراه با اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و

هم به جنبه سنتی و سرمایه اجتماعی قدیم مربوط می شود، در اغلب موارد به ویژه در روابط انجمنی، امور سازمان های مردم- نهاد و اعتماد نهادی به مدیریت شهری و شورا که از مؤلفه های اصلی هستند، مطلوب نیست و هر چه از سطح خانواده به سطوح بالاتر (خویشاوندان، دوستان و غیره) می رویم، سرمایه اجتماعی کمتر می شود.

عمومیت دارد که از آن به عنوان «سرمایه اجتماعی جدید» نام می برند. بر این اساس، اجرای برنامه های نوسازی از بالا توسط دولت ها، سرمایه اجتماعی قدیم را دچار فرسایش کرده و سرمایه اجتماعی جدید، آن طور که باید شکل نگرفته است که این خود گسل ها و گسست های اجتماعی را به همراه دارد (عبداللهی، موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹). بنابراین، می توان گفت که وضعیت سرمایه اجتماعی محله به جز در موارد استثنایی که آن

جدول ۸- نتایج آزمون تحلیل واریانس در زمینه تفاوت بین اعتماد شخصی و نهادی و مشارکت

موضوع	حوزه	منبع تغییرات	درجه آزادی	F محاسبه شده	درجه معناداری
اعتماد و مشارکت	بین شخصی و نهادی	بین گروهی	۱۱	۲/۳۴۶	۰/۰۰۰
		درون گروهی	۲۵۸		

است که آیا با پنداشت ساکنان ذی نفع از دولت و مدیریت شهری، زمینه همکاری برای اجرای آن وجود خواهد داشت؟ با توجه به احساس تعلق مکانی بالایی که در محله وجود دارد، توزیع پاسخ های نمونه در زمینه میزان تمایل به ادامه سکونت در محله نشانگر تعلق مکانی بالا در این زمینه است؛ زیرا نزدیک به ۷۰ درصد پاسخ دهندگان به ادامه زندگی در محله تمایل داشته اند؛ اما در زمینه پیشنهاد این محله برای سکونت به دوستان و بستگان خود به علت مشکلات محله، تمایل چندانی به ارائه پیشنهاد به آنها برای سکونت در محله ابراز نکرده اند. بنابراین، با این پیش شرط که یک سازمان محلی و متشکل از گروه های ذی نفع در محله تشکیل شود که به طور مستقیم در هدایت تغییرات محیط زندگی خویش نقش داشته باشد، می تواند تجمیع قطعات تفکیکی با مترای پایین را با مشارکت مردم، بانک های عامل و صندوق اجتماع محلی در جهت بهسازی مسکن، پیشنهاد داد. آنچه از این فرآیند حاصل خواهد آمد، شکل گیری مشارکت، اعتماد به مدیریت شهری و زمینه انسجام اجتماعی ساکنان محله خواهد بود. آگاه سازی مردم به موقعیت ویژه محله و طراحی چشم انداز (Vision) محله با مشارکت مردم و مدیریت شهری، زمینه احساس تعلق به مکان و اجتماع را فراهم می کند. استفاده از الگوی «سهام دار

تحلیل واریانس (F) محاسبه شده در زمینه تفاوت بین اعتماد شخصی و نهادی و مشارکت در سطح ۰/۰۵ از لحاظ آماری معنادار است، نتیجه می گیریم که از لحاظ آماری میان اعتماد و مشارکت تفاوت معناداری وجود دارد. با نگاهی به میانگین ها و نمودارهای بخش توصیفی مشخص می شود که این اعتماد و مشارکت در زمینه بین شخصی در حد بالایی است؛ ولی اعتماد نهادی و مشارکت در سطح پایینی است. شاید بتوان گفت نهادینه شدن روابط حاکم (دولت) و محکوم (شهروندان) طی صدها سال باعث اعتماد نکردن شهروندان به مسؤولان و مدیران شهری شده است. همچنین، ناکارآمدی بخش دولتی در حکمروایی خوب شهری در بی اعتمادی و کم اعتمادی مردم به نهادهای مدیریت شهری مؤثر بوده است.

۳.۲. پیشنهادهایی برای بهسازی کالبدی محله

اساس این تحقیق از مرحله طرح آن، برآن بوده است تا از «نسخه نگاری» و «کارشناس محوری» خودداری شود؛ زیرا در نبود هنجارهای اعتماد (شخصی و نهادی) انسجام اجتماعی، تعاملات همسایگی و محله ای، پیچیدن هرگونه نسخه و پیشنهادی با هر فرمولاسیونی با امتناع مصرف مواجه می شود، آنچه که در تمام طرح های تهیه شده به وسیله مهندسیین مشاور و ارگان های مرتبط مشهود است، توجه نکردن به این نکته

پروژه» با نظرسنجی و سنجش میزان تمایل مردم و معرفی این الگو به مردم محله می‌تواند زمینه بهبود کالبدی-فضایی را به همراه داشته باشد. آنچه در مباحث تئوریک بیان شد، با استفاده از بررسی نقاط قوت و ضعف کالبدی-اجتماعی محله

سرشور در جدول (۹) با طرح اهداف، اهداف عملیاتی، راهبرد و سیاست‌های اجرایی در رابطه با ارتقای سرمایه اجتماعی محله و بهسازی آن در مورد محله سرشور بیان شده است.

جدول ۹- اهداف عملیاتی و سیاست‌های اجرایی در رابطه با ارتقای سرمایه اجتماعی در سرشور

مأخذ: مطالعات اسنادی و میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰

اهداف	اهداف عملیاتی	راهبرد	سیاست‌های اجرایی
بهبود سازمان فضایی و بهسازی محله از طریق مشارکت مردمی	استفاده از پتانسیل‌های موجود محله مانند: مساجد محله و بازار و غیره برای افزایش تعامل اجتماعی مردم با هم	افزایش نقش مساجد در ایجاد تجمع فضاهای محلی	برگزاری مراسم جشن‌هایی به مناسبت‌های مختلف در محله. برگزاری مسابقات ورزشی و هنری و غیره
	افزایش حس مسؤلیت‌پذیری	اولویت‌دهی به نقش پیاده در مقابل سواره (اتومبیل)	ایجاد و افزایش مسیرهای دوچرخه و پیاده افزایش امنیت عابر پیاده
تقویت هویت کالبدی با هویت-دهی اجتماعی	تقویت هویت کالبدی با هویت-دهی اجتماعی	استفاده از نظرات و پیشنهادهای سالمندان محله در طرح‌های بهسازی. افزایش حس تعلق خاطر ساکنان محله	ایجاد فرهنگ مشارکت در محله. ایجاد زمینه همکاری در بین ساکنان، ایجاد زمینه نظارت اجتماعی.
	تقویت هویت کالبدی با هویت-دهی اجتماعی	ایجاد زمینه‌های ارتباطی و تعاملات میان ساکنان محله	برگزاری مراسم و جشن‌های ملی، مذهبی
افزایش تعاملات اجتماعی، سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی از طریق ارتباط با شورای محله و سازمان مجری بهسازی	بهبود کاربری‌های محله‌ای در راستای افزایش تعاملات محلی	رعایت سلسله مراتب دسترسی محلی بهسازی خیابان‌های محلی	محدودکردن حرکت اتومبیل به صورت عبوری در محله. ایجاد پارکینگ‌های طبقاتی در خارج از محله.
	تقویت فضاهای عمومی و محلی نمودن آنها	بهبود امنیت محله در راستای استفاده از فضا به وسیله همه طبقات سنی	تقویت فضای سبز و فضای بازی کودکان در محله.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به آنچه گذشت، سرمایه اجتماعی دارای بستری مکانی است و قابلیت تعمیم کلی را دارا نیست. در نتیجه، هر محله نه تنها ظرفیت حمل اکولوژیکی خاص خود را دارد؛ بلکه به همان‌گونه حامل ظرفیت‌های اجتماعی-مشارکتی (سرمایه اجتماعی) معینی است و نیز جریان دوسویه‌ای بین ظرفیت اجتماعات محلی و حکمروایی خوب برقرار است. بر

اساس شواهد و تجربیات متعدد، کلید موفقیت در احیای پایداری محله‌ها در کنار گذاشتن طرح‌های کالبدی و حمایت از طرح‌هایی است که با لحاظ کردن شرایط محلی، بسیج‌کننده مهارت و دانش محلی است. بر این اساس، تحقق پایداری شهری استفاده از سرمایه اجتماعی و نهادسازی برای مشارکت و احساس تعلق مکانی در بافت‌های فرسوده است که این مهم مستلزم موارد زیر است:

- در شرح خدمات مطالعات طرح‌های بهسازی بافت‌های فرسوده به سنجش میزان سرمایه اجتماعی محله‌های هدف، توجه جدی‌تری صورت گیرد.
- فراهم کردن زمینه‌های حمایتی و قانونی از سازمان‌های غیردولتی و داوطلبانه مردمی این سکونت‌گاه‌ها
- بسترسازی فرهنگی اجتماعات محلی برای مشارکت و هم‌گرایی
- تدویم برنامه توانمندسازی و پذیرش رسمی و قانونی نهاد محلی از طرف مدیران شهری که خود مستلزم تغییر نگاه دولت و عوامل زیرمجموعه آن از تأمین‌گر (رویکرد نیاز مبنا) به توانمندگر (رویکرد دارایی مبنا) است.
- و در نهایت اینکه، هرگونه برنامه مداخله و بهسازی در بافت‌های فرسوده شهری با توجه به شرایط و نیازهای هر محله و بر اساس شناخت واقعی تدوین شود. سنجش دقیق سرمایه اجتماعی محله‌های هدف، ارزیابی اجتماع‌محور و برنامه‌های مبتنی بر شکل‌گیری نهادها و شوراهای محلی در راستای توانمندسازی سرمایه اجتماعی محلی، الگوی مناسبی برای مداخله در سطح محله‌های بافت‌های فرسوده است.

کتاب‌نامه

۱. آلبرو، م. (۱۳۸۰). *مقدمات جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۲. ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری. *فصل‌نامه مدیریت شهری*. سال دوم. شماره ۷. پاییز. صص ۳۴-۴۵.
۳. پاتنام، ر. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمد تقی دلفروز. چاپ اول تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور.
۴. فوکویاما، ف. (۱۳۸۵). *پایان نظم سرمایه اجتماعی حفظ آن*. ترجمه غلام عباس توسلی. چاپ اول. تهران: حکایت قلم نوین.
۵. کلمن، ج. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۶. گیدنز، آ. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
۷. مهدیزاده، ج. (۱۳۸۵). تحول در پارادایم‌های شهرسازی. *جستارهای شهرسازی*. سال پنجم. شماره ۱۵ و ۱۶. بهار. صص ۲۴-۶.
8. Arefi, M. (2004). Neighborhood jump-starting: Los Angeles neighborhood initiative, city space. *A Journal of Policy Development and Research*, 7(1), 5-22.
9. Bolton, R. (1992). Place prosperity vs. people prosperity revisited: An old issue with a new angle. *Urban Studies*, 29(2), 185-203.
10. Bourdieu, P. (1985). The forms of social capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). New York: Greenwood.
11. Carly, M. (1999). Neighborhood building blocks of national sustainability. *Town and Country Planning*, 68(2), 61-64.
12. Carly, M. (2000). Urban, partnership, governance, and the regeneration of Britain's cities. *International Planning Studies*, 5(3), 273-297.
13. Fox, J. (1999). The inter-dependence between citizen participation and institutional accountability: Lessons from Mexico's rural municipal funds. In K. Piester (Ed.), *Thinking out loud: Innovative case studies on participation instruments* (pp. 33-49). Washington: World Bank, Latin America and Caribbean Region Civil Society Papers.
14. Hall, P., & Pfeiffer, U. (2000). *Urban future 21: A global agenda for 21st century cities*. London: E. & F. N. Spon.
15. Haughton, G., & Hunter, C. (1994). Sustainable cities. *Journal of Planning Education and Research*, 26, 435-449.

16. Jenkins, P., & Smith, H. (2001). *The state, the market and community: An analytical framework for community self-development*. London: Etruscan.
17. Narayan, D., & Cassidy, M. F. (2001). Cents and sociability: Household income and social capital in rural Tanzania. *Economic Development and Cultural Change*, 47(4), 871-897.